

تعریف آن

کلامی که در وجود آن احتمال صدق و کذب می رود.

در صورت عدم مطابقت با واقع

الجهل نافع

در صورت مطابقت با واقع

العلم نافع

اهداف آن

اهداف اصلی

فهماندن حکمی که در جمله است به مخاطب جاهل (=فایده ی خبر)

اللبین معاملة

آگاه کردن مخاطبی که عالم به خبر است به اینکه متکلم نیز خبر را می داند (=لازم فایده خبر)

مانند دانش آموزی که قبولی خود را در امتحان از تو پنهان نموده و تو این قبولی را به او خبر می دهی.

اهداف دیگر

استرحام و استعطاف (ترحم و عطفوت خواستن):

إني فقير إلى عفو ربّي

بر انگیزتن همت به چیزی که تحصیل آن لازم است.

ليس سوا عالم و جهول

اظهار ضعف و خضوع

ربّ إني وهن العظم منّي

اظهار اندوه بر چیز محبوب

إني وضعتها أثنى

اظهار شادمانی به آنچه رسیده و بدگویی از آنچه رفته است.

جاء الحق و زهق الباطل

توبیخ و سرزنش؛ مانند سخن تو به شخص خطاکار

الشمس طالعة

مثلا امر روشنی را به خطا رفتن

یادآوری کردن تفاوتی که در بین مراتب هست

لايستی گسلان و نشیط

فخرورزی

إن الله اصطفاني من قریش

مدح نمودن

فإنك شمس و الملوك كواكب اذا طلعت لم يبده منهن كوكب

نکته

مرجع در شناخت این اهداف، ذوق و عقل سلیم است.

نکته

هدف از کلام، روشن و آشکار سخن گفتن است.

نکته

القاء خبر از سوی متکلم به مخاطب، به مانند تجویز پزشک بر فرد بیمار است که باید متناسب با حال آن باشد.

اشکال خبر بر اساس ظاهر حالات مخاطب

۱- خالی الذهن بودن مخاطب از خبر

در این حالت، عدم نیاز به تاکید در کلام (=خبر ابتدایی)

المال و البنون زينة الحياة الدنيا

۲- مردد بودن مخاطب از خبر

در این حالت، تاکید در کلام نیکو است. (=خبر طلبی)

إِنَّ الْأَمِيرَ مُنْتَصِرٌ

۳- منکر بودن مخاطب از خبر

در این حالت، نیاز به یک یا دو تاکید در کلام، یا بیشتر (=خبر انکاری)

وَاللّٰهُ اِنَّهٗ لَقَادِمٌ



نکات

الف) مشهورترین ادوات تاکید خبر عبارتند از: اِنَّ، اَنْ، لام ابتداء، حروف تنبيه، قسم، دو نون تاکید، حروف زائده، تکرار، قد، اما شرطیه، اسمیه بودن جمله، ضمیر فصل و مقدم داشتن فاعل معنوی.

ب) گاهی کلام به جهت اعتباراتی که متکلم لحاظ می کند، برخلاف مقتضی ظاهر حال، القاء می شود.

موارد آن:

۱- قرار دادن مخاطب عالم به فایده یا لازمه ی خبر یا هر دو، در مقام مخاطب جاهل.

مانند این که بگویی: الصلاة واجبه، به کسی که وجوب نماز را می داند ولی آن را به جا نمی آورد (حمت سرزنش)

۲- قرار دادن مخاطب خالی الذهن در مقام سائل متردد

وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ

در این آیه، خداوند متعال، حضرت نوح علیه السلام را، در مقام سائل متردد قرار داده است که آیا خداوند حکم به غرق نمودن کفار می کند؟

۳- قرار دادن مخاطب غیرمنکر در مقام منکر در صورت وجود نشانه های انکار

۴- قرار دادن مخاطب مردد در مقام غیرمردد

۵- قرار دادن مردد در مقام منکر

مانند سخن تو: اِنَّ الفرجَ اَقْرَبُ، به مخاطبی که فرج را دور می شمرد.

۶- قرار دادن منکر در مقام خالی الذهن و بی خبر

مانند آیه اِنَّهُمْ اِلَهِةٌ وَّاحِدٌ، که در صورت تأمل در دلایل و شواهد آن، انکار مخاطب زائل می شود.

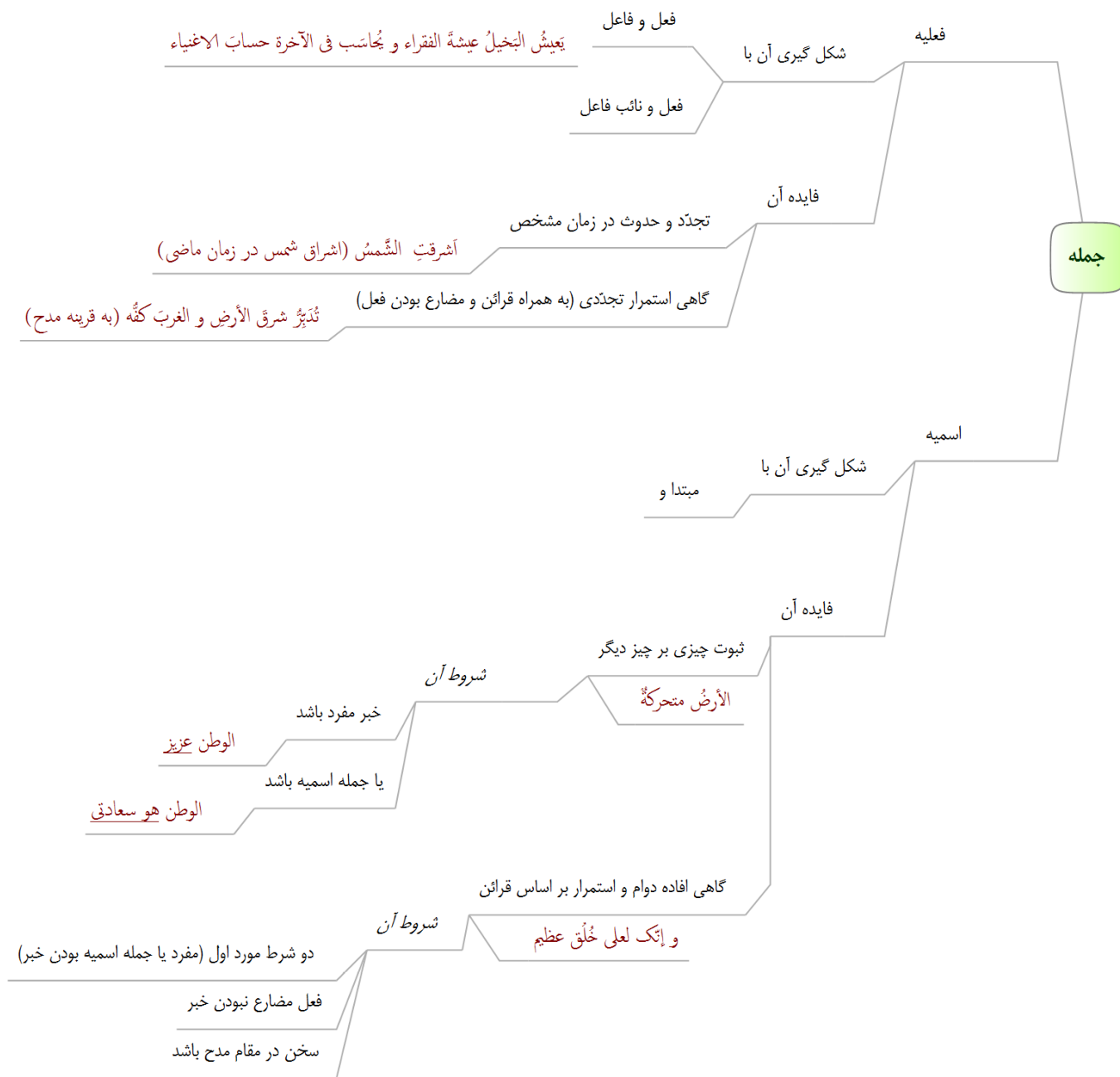
۷- قرار دادن منکر در مقام مردد

مانند آن که به کسی که شرف ادب را به طور ضعیف انکار می کند، بگویی مقام با مال، فقط تا زمانی که مال با تو است تو را همراهی می کند، و اما مقام با ادب از تو دور نمی شود.

ج) گاهی خبر برای شرافت و تقویت حکم، مؤکد می گردد با این که مخاطب، در آن تردید ندارد و منکر آن نیست.

مانند این که در آغاز سخنت بگویی: اِنَّ اَفْضَلَ مَا نَطْقُ بِهِ اللِّسَانُ ...





نکته

الوطن يسعد بآبائنه

خبر است و چون فعل آمده، فایده ی جمله ی فعلیه را می رساند نه اسمیه